

نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون ۱

متعالی از ادراك عقول و منزه از دریافت اندیشه و اوهام ذات قدس مالك الملكی است یگانه عظم‌شأنه و [-] برهانه که اقتضای حکمت بالغه و استدعای عنایت سابقه گوهر گرانمایه وجود شهریاران بلندپایه بحر ابداع و لجه اختراع بساحل شهود آورده واسطه عقد جمعیت امم و رابطه نضد فراید افراد بنی آدم بود و آفتاب ذات سایه گستر ایشانرا در سایه ذات آفتاب پرور خویش چون گوهر در صدف و اختر در شرف پرورد و از موافقت ایشان ابواب امن و امان بر چهره جهان و جهانیان گشود. غبارفتنه و آشوب از روی عالم سفلی که منبع تباین و اضداد است بآب تیغ صولتشان فرو نشانید و گامهای خیر و صلاح از شوردهزار جهان که نبت شرفناست باهتر از صباء معدلتشان بردمانید. نهانخانه اسماء و صفاتش راه خیال بسته و بردامن پرده جلالش گرد زوال ننشسته. مبدع مبادی جود، مخترع ذات و جود :

فروزنده ماه و ناهید و مهر

خداوند کیهان و گردان سپهر

ز گردن فرازان همه بی نیاز

نیاز بزرگان گردن فراز

و درود و آفرین فراوان بر روان پاک و گوهر تابناک تاجداران اقلیم بینش و شهریاران کشور آفرینش، پیغمبران راهنما، راهنمایان گره گشا، تاماه و خورشید بر فلک تابان و تیر و کیوان فروزانست باد، و بعدلآی متلالی دعوات صافیه که گوش شاهد و داد را به نیکوترین وجهی آراید و روایح

تحمیات و افیه که مفرح دماغ موافقت و صفایید تحفه بزم ارم نظم پادشاه کیوان
گاه فرقد قدر گردون صدر بهرام رزم ناهید بزم خورشید افسر ستاره لشکر
دشمن مال فرخنده مال، فروزان بدر سماء سماحت و شهر یاری درخشان گوهر
بحر جلال و تاجداری فرازنده و رایت شهامت و دایری بر ازنده اورنگ سلطنت
و جهانگیری پایه ده دست جلال، پای نه مسند اقبال، زینت بخش تاج و تخت
فرخنده بخت مظهر قدرت یزدانی رکن مشید جهانبانی لازالت رایات عزایمه
بر یاح الظفر منشوره و ریاض ممالکه بسجال الافضال مغموره ساخته صورت دعا
را بر آئینه رای ملک آرا منطبع و مرتسم میدارد که از دیر باز تا کنون که
روز گاری دراز است در هیچگاه میانه فرمانروایان ممالک ایران و فرنگسیس
امری مخالف رسوم و داد روی نموده و درین عهد فیروز مهد که خاتم دارائی
ایران بر کف دریا کفایت اعلی حضرت پادشاه جمشید جاه سلیمان احتشام
کیخسرو مقال فریدون مرتبت سکندر نگین شهریار بهمن و قار سایه رحمت
کرد گار شاه بابا ام اعلی الله لوائه دولته مفوض و زمام مهام فرمانروائی فرنگسیس
بآن بر ازنده تاج و نگین مسلم گردیده روز بروز بر موافقت جانبین افزوده
است و با آنکه در این سنوات کار گزاران دولت انگلیس از آمد و شد ایلچیان با
اولیای این حضرت اساس الفتی تأسیس کردند که شاید باین تلبیس رخنه در
ارکان موافقت دولتین ایران و فرنگسیس حاصل آید باز از طرف مستلزم
الشرف اولیاء دولت علیه رعایت شرایط مواحدت با آن شوکت بهیه مرعی و
مرجع افتاده بلکه در این اوان که خصومت میانه کار گزاران دولت روس و
کار فرمایان این شوکت ابد مأنوس بوقوع پیوست بحکم آنکه دوست دشمن دشمن
و دشمن دشمن دوست است دشمنی امنای این دولت باروس و دوستی کار گزاران
انگلیس با آن گروه منحوس باعث مزید اعتماد امنای این شوکت بدوستی و
و داد کار پردازان آن دولت گردید و انشاء الله الرحمن فواید این یکرنگی و
مواحدت روز بروز بر مملکتین عاید خواهد شد و چون در این اوقات فیروزی
علامات بمساع اولیاء حضرت بهیه رسید که امنای آن دولت لشکرهای جرار

بممالک روس کشیده و برخی از ولایات آنجا را بقره و غلبه متصرف گردیده اند از استماع این خبر بهجت اثر خاطر مهر پرور باقصی الغایه مسرور و مستبشر شد و بمقتضای مودت جانبین صورت این معنی بر صحیفه ضمیر نقش پذیر آمد که غرض کار فرمایان آندولت از این لشکر کشی و دشمن کشی ادای شرایط دوستی با این طرف بوده است و اگر چه از طرف کار گزاران آندولت نوید این فتح نامدار باولیاء دوات جاوید قرار اظهار نشده بود لیکن تقدیم مراسم تهنیت را بترسیم این صحیفه الوداد پرداخت و روانه دربار شو کتمدار ساخت بحمدالله والمنه چنانکه از آن طرف لازمه قتل و غارت در باره دشمنان دولتین بعمل آمد در این ایام ظفر فرجام که اشیخدر سردار لشکر روس غافل از آنکه سر خود را بر سودای تعرض خواهد نهاد با گروهی انبوه از طرف خشکی و جمعیتی بینهایت نیز با کشتیهها از روی آب آهنگ ستیز و از جانب بحرو بر آتش شور و شرتیز کردند از این طرف نیز دلاوران ضرغام صولت بسان سیل دمان و قضای ناگهان بجانب ایشان روان گردید و از حصول تلاقی که رایت جلال افراخته و آتش قتال افروخته بر ساحل بحر نهری از خون روان و بر روی هامون از کشتهها پشتهها نمایان . اشیخدر با گروه بیحد و مر عرض تیغ آبدار مبارزان شیرشکار و جمعی کثیر نیز گرفتار قید اساس و بقیه السیف قرین خذلان و خسار، از روی بحری سیر طریق فرار گشتند و بغير معدودی از ایشان که راه گریز برایشان بسته و محافظت جان رادر حصار گنجه و تفلیس نشسته اند دیگر نشانی از ایشان در این حدود و سامان نیست و نظر باینکه عساکر منصوره آندولت حال نیز در ولایات روس متوقف و مترصد ستیز و آویزند و مبارزان خصم انداز ازین طرف نیز در این سرحدات باتیغهای آخته رایت کینه جوئی افراخته اند سزاوار آن است که اولیای آندولت در تمیم عزیمتی که تصمیم خاطر کرده اند کوشیده کار دشمنان را ساخته و خاطر از مهم ایشان پرداخته دارند و هر گونه امری که انجام آنرا در عهده اهتمام کار پردازان ایندولت جاوید فرجام مناسب دانند رجوع فرمایند که ازین طرف بهیچوجه مانع و عایقی در شروع بکار بیکار نیست و چون این معنی

نیز سامعه افروز اولیاء اینحضرت گردید که درین اوقات که کار گزاران آنشو کت
رایت عزیمت بولایات روس افراشته وایشانرا از تعرض سرحدات ممالک ایران
ممنوع داشته بودند جواب ایشان این بوده است که ممالک گنجه و گرجستان
را از اولاد ارکلی خان والی گرجستان و جوادخان حاکم گنجه خریده و
بدانجهت متعرض گردیده اند ، اولاً اینکه طایفه مزبوره خلاف واقع و محض
تهمت و مخالف قانون رای ورؤیت است و بر فرض وقوع بر هر صاحب بصیرت
ببدیقه عقل روشن و مبرهن است که مبیاعه ملک بامالک است نه بازار و دشتبان
و اختیار گله باصاحب است نه باشبان و قطع نظر ازین مراتب هر بیعی را بهائی
لازم و سزا و بر همه دور و نزدیک ظاهر و هویداست که بهائی که در ازاء این
معامله ادعائی با اولاد ارکلی خان و جوادخان رسیده همین است که گرگین
پسر بزرگتر ارکلی خان از جام قهرایشان شربت زهر چشیده و جواد خان
حاکم گنجه از تیغ بیدادشان ساغر مرگ کشیده و بقیه اولاد ایشان برخی
در ولایات روس محبوس و بعضی دیگر از خانه و وطن و محل و مسکن نومید و
مأیوس معتکف این آستان شرکت مانوس اند .

اگر چه بعنایت الله و تأییده تیغ ستم سوز و خنجر برق افروز دلاوران فیروز
در طی این دعوی برهانی قاطع و آیتی ساطع است و عنقریب جواب ادعای باطل
و افترای بیحاصل ایشانرا خواهد داد اما تمنا آنست که کار فرمایان آن دولت
بملاحظه مو آنست جانبین کیفیت این افترا و بطلان این ادعا را بر پیشکاران
هریک از سلاطین سکندر تمکین ممالک فرنگ که با امناء آن دولت رابطه دوستی و
الفت داشته باشند مکشوف دارند تا اولیاء اینحضرت در تلافی اعمال ایشان
نزد فرمانفرمایان آفاق بهمت ستیزه جوئی و نفاق و شکستن عهد ایتلاف و
تجاوز از سنن اسلاف که مخالف سیر و سلوک داد گستری و منافی رسم و آئین
شهریاران عدل پرور است منسوب نگردیده معلوم همگنان آید که مبادرت
بخلاف از طرف ایشان بوده است و هر گاه امناء آن دولت را ممکن شود که در
این باب از کار گزاران شهریاران با فرهنگ ممالک فرنگ که با ایشان الفتی

دارند حجّتی مسجّل ممهور مبنی بر بطلان حجّت ایشان صادر نموده ارسال نمایند نهایت محبت و و داد و غایت یکرنگی و اتحاد خواهد بود. ترقب از مخایل صفات و محامد اخلاق خسروانه چنان است که همه اوقات از بهارستان مودت و موالات رایحه بخش دماغ موافقت و مصافحات بوده از رشحه فشانی نیشان خامه دوستی ختامه طراوت افزای بوستان مطابقت و ولا گردند و بترسیل رسل و رسایل دوستانه مشید بمبانی یگانگی و و داد و مشددار کان یکرنگی و اتحاد گردیده بنای موآنست را محکم فرمایند. باقی، پیوسته اعادی دولت جاوید مدت مقهور و رایت فیروزی آیت در معارك دشمن کشی مظفر و منصور باد.»